



یادمان کدام سمینار

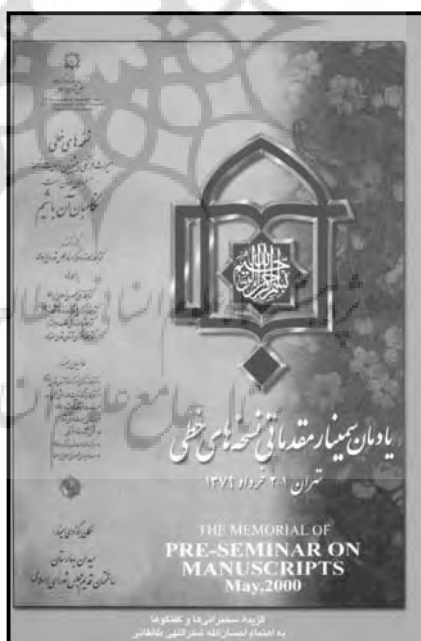
○ روشنگر پویا

مؤلف در این کتاب، با یاری دو تن از همکاران خود در کتابخانه مجلس، به تهیه و گردآوری سخنرانی‌ها و انجام مصاحبه‌ها، همت گماشته است. وی در بخش آغازین کتاب یا مقدمه، به معرفی اجمالی از سمینار مقدماتی نسخ خطی، پرداخته است و انگیزه خود را از تهیه چنین کتابی، آشنایی بیشتر با برخی شرکت‌کنندگان و دیگر صاحب‌نظران این حوزه در قالب سلسله گفت‌وگوهایی می‌داند. وی مطالب «یادمان...» را در سه بخش تنظیم کرده است.

در بخش نخست، سخنرانی‌های مراسم افتتاحیه آورده شده است که شامل ۳ سخنرانی از دبیر سمینار، ریاست کتابخانه مجلس و رئیس سمینار و نیز ۴ سخنرانی از اساتید معروف و صاحب‌نظران این حوزه درباره فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی است.

بخش دوم کتاب که حجم اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد، شامل مصاحبه‌های تخصصی با صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف نسخ خطی است و ۲۷ مصاحبه را شامل می‌شود که از آن میان، ۵ مصاحبه به همکاران بخش‌های مختلف کتابخانه مجلس در معاونت فنی، سازماندهی منابع چاپی، مرکز اسناد، بخش آسیب‌شناسی و مرمت و ریاست کتابخانه اختصاص یافته است. مابقی نیز محققان و کارشناسانی هستند که به نحوی در حوزه نسخ خطی مشغول فعالیت می‌باشند.

در بخش سوم، نتایج نظرسنجی از سمینار، که به



○ احسان الله شکراللهی، یادمان
سمینار مقدماتی نسخه‌های خطی، تهران:
کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس
شورای اسلامی، چاپ اول: ۱۳۸۱، ۱۵۰۰
نسخه، رحلی، شمیز



وسیله روابط عمومی کتابخانه تهیه شده، ارائه گردیده است.

آقای شکراللهی که خود از کارکنان کتابخانه مجلس و دست‌اندرکاران برگزاری سمینار بوده، در این کتاب کوشیده است تا با انجام مصاحبه‌هایی مرتبط با حوزه گستردهٔ نسخ خطی، بتواند با کارشناسان و صاحب‌نظران ارتباط برقرار کند و آراء و عقاید آنان را گردآوری نماید. به همین دلیل با طیف وسیعی از افراد مختلف، اعم از فهرست نگار و کتابدار و خوشنویس و مصحح و مسئولان کتابخانه‌ها به گفت‌وگو نشستند است که متن کامل پرسش و پاسخ عیناً در کتاب آورده شده است. این کار فی‌نفسه و در نوع خود با ارزش و مفید است و برای آن دسته از خوانندگانی که می‌خواهند با موضوعات و افراد مختلفی در این حوزه آشنا شوند مجموعه‌ای خواندنی است. به ویژه آنکه در ابتدای هر مصاحبه معرفی کوتاهی از مصاحبه شونده که گاه با تصویر وی همراه است و متن سؤالات با قلم پرنرنگ‌تری جهت استفاده آسان‌تر خواننده، مشخص گردیده است. کم و بیش سؤالات در راستای نسخه‌های خطی و فعالیت افراد این حوزه مطرح گردیده است و پاسخگویان نیز کوشیده‌اند تا نظرات خود را در این ارتباط مختصراً بیان کنند. اما ذکر نکاتی چند به جهت پربار شدن یادمان‌هایی از این دست، ضروری به نظر می‌رسد که به ذکر آنها خواهیم پرداخت.

علی‌رغم تلاش مؤلف محترم در طبقه‌بندی و تفکیک موضوعات کتاب به جهت سهولت استفاده، به نظر می‌رسد تقسیم‌بندی مطالب چه به لحاظ حجم مطالب و چه از نظر موضوعی، مبنای علمی چندانی نداشته باشد و اگر هم بر طبق ذوق و سلیقهٔ فردی انجام پذیرفته باشد، شاید می‌توانست بهتر از این صورت پذیرد. بر این اساس، بخش اول دارای ۷ سخنرانی و شامل ۲۲ صفحه است. بخش دوم دارای ۲۷ مصاحبه و شامل ۱۱۶ صفحه و بخش سوم شامل نتایج نظرسنجی و شامل ۲ صفحه می‌باشد.

مصاحبه‌های انجام شده، بی‌هیچ دسته‌بندی موضوعی که می‌توانست براساس کتابداران، مصححان، فهرست‌نویسان، مسئولان کتابخانه‌ها یا مجموعه داران و... تقسیم گردد - تنها دارای نظم الفبایی نام مصاحبه شونده‌گان است - که این مسئله به ویژه برای خواننده‌ای که شناخت چندانی از آن افراد ندارد، کمی ثقیل می‌نماید.

سؤالات در مصاحبه‌ها عموماً به شکل کلی مطرح شده است و در تمام ۱۷ مورد، عیناً به شکل پرسش و پاسخ درج گردیده است. ای کاش معرفی جامعی از فرد مصاحبه شونده یا فعالیت‌های او صورت می‌گرفت یا برخی قسمت‌های مصاحبه از زبان مصاحبه‌کننده و با قلم او نگارش می‌یافت. این امر موجب می‌شود تا خواننده هنگام مطالعه، از روند

در انتخاب افراد موردنظر برای انجام گفت‌وگو و مصاحبه نیز قاعده مشخصی وجود نداشته است و بنا به گستره این حوزه افرادی با سلايق گوناگون برگزیده شده‌اند، معلوم نیست که قصد مصاحبه‌کنندگان، گفت‌وگو با پیشکسوتان و متقدمان بوده است یا جوانان و صاحبان آثار جدیدالانتشار، شرکت‌کنندگان در سمینار یا خوشنویسان و همکاران و...؟

در مورد شرح حال آنان به کتب و مقالات دیگر ارجاع داده شده است (ص ۱۴۲)، لذا حجم اطلاعات لازم در مورد افراد مختلف متناسب نیست و مصاحبه‌کنندگان شناخت کاملی از پیشینه علمی فرد مورد نظر برای انجام گفت‌وگو نداشته‌اند.

خوب بود که سؤالات، نزدیک یا کم و بیش یکسان و مشابهی از صاحب‌نظران یک حوزه خاصی (مانند تصحیح، فهرست‌نگاری و...) پرسیده می‌شد تا خوانندگان درصدد مقایسه پاسخ‌ها و تفاوت دیدگاه‌ها در یک حوزه مشترک می‌پرداختند و به تحلیل جامع‌تری دست می‌یافتند و با مقایسه نظریات اساتید فن، نکات فنی‌تر را در می‌یافتند، در حالی که به نظر می‌آید سؤالات بیشتر به فرد مربوط است تا به سمینار یا موضوعات تخصصی‌تر.

از آنجا که یادمان یک سمینار می‌بایست حاوی تمامی جزئیات و بیان گزارش کاملی از اجرای دقیق برنامه‌های آن باشد، بایسته بود تا ذکرى از برنامه کلی بخش‌های ششگانه شرکت‌کننده، نام سخنرانان و موضوعات سخنرانی، نمونه پوستر یا کارت و عکس‌هایی از مراسم، به جهت ثبت دقیق برنامه و استفاده بیشتر محققانی که بخواهند بعدها به این یادمان به عنوان منبعی مستند ارجاع دهند آورده می‌شد.

در حالی که در هیچ‌کدام از سخنرانی‌ها یا مصاحبه‌ها ذکرى از نام سخنرانان، گردانندگان و اساتید گروه‌های مختلف نشده است. حتی آنجا که با اساتید و سخنرانان شرکت‌کننده گفت‌وگویی انجام شده است، هیچ اشاره‌ای به گروهی که وی در آن شرکت داشته است یا نظر و پیشنهاد او نشده است. در حالی که از برخی پرسیده‌اند ارزیابی سمینار یا پیشنهاد شما در این باره چیست و در اینجا این سؤال مطرح است که چرا

یکنواخت پرسش و پاسخ خسته نشود و بابرخی توضیحات جانبی از سوی مصاحبه‌کننده بیشتر در جریان موضوع مورد بحث قرار گیرد. یا حداقل نتیجه برخی مصاحبه‌ها می‌توانست با قلم سوم شخص و به گونه‌ای جذاب‌تر بیان گردد.

آن‌گونه که از متن مصاحبه‌ها برمی‌آید، موضوعات مطرح شده در گفت‌وگوها به شکل آزاد و بدون برنامه قبلی از پیش تعیین شده‌ای صورت گرفته است به همین دلیل در طول مصاحبه، گاه بحث‌های فرعی جایگزین بحث اصلی گردیده و شامل قاعده «الكلام یَجْرُ الكلام» شده و به شرح حال مفصل مصاحبه شونده (ص ۱۵۲) موضوعات موردعلاقه او و... پرداخته شده است بی‌آنکه مصاحبه‌کننده بتواند محور سؤالات و کنترل آنها را در اختیار داشته باشد.

در انتخاب افراد موردنظر برای انجام گفت‌وگو و مصاحبه نیز قاعده مشخصی وجود نداشته است و بنا به گستره این حوزه افرادی با سلايق گوناگون برگزیده شده‌اند، معلوم نیست که قصد مصاحبه‌کنندگان، گفت‌وگو با پیشکسوتان و متقدمان بوده است یا جوانان و صاحبان آثار جدیدالانتشار، شرکت‌کنندگان در سمینار یا خوشنویسان و همکاران و...؟

در شناسایی و معرفی افراد نیز از روش یکسانی پیروی نشده است. گاه برخی از افراد، فاقد هرگونه معرفی کامل و دقیق - حتی تصویر - می‌باشند و هیچ‌گونه اطلاعاتی درباره سوابق فعالیت، سمت، شرح حال و شغل آنان بیان نشده است؛ مانند صفحات ۸۰، ۷۱، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۲۰ و خوانندگان ممکن است از خود بپرسند که مصاحبه شونده دارای چه ویژگی‌هایی تخصصی یا تجارب خاصی در ارتباط با موضوع موردبحث بوده است و دلیل این انتخاب چیست؟ و گاه بالعکس، با ذکر کامل آثار، برای دریافت تفصیل بیشتر

علی رغم تلاش مؤلف محترم در طبقه بندی و تفکیک موضوعات کتاب به جهت سهولت استفاده، به نظر می رسد تقسیم بندی مطالب چه به لحاظ حجم مطالب و چه از نظر موضوعی، مبنای علمی چندانی نداشته باشد و اگر هم بر طبق ذوق و سلیقه فردی انجام پذیرفته باشد، شاید می توانست بهتر از این صورت پذیرد

این سؤال از بیشتر افراد مورد گفت و گو پرسیده نشده است.

در بخش سوم و پایانی یادمان که نظرسنجی نام دارد، فرم ارزیابی شرکت کنندگان سمینار که شامل ۱۸ سؤال طبقه بندی شده است در کنار چهارگزینه بسیار خوب، خوب، متوسط و ضعیف آورده شده است و پاسخها به درصد ذکر گردیده است و خواننده با یک نگاه در می یابد که میزان رضایتمندی درباره هر سؤال چند درصد می باشد. این سؤالات مربوط به برگزاری سمینار، موضوعات سمینار، نمایشگاه، سمینار آتی نسخ خطی، پذیرایی و کیفیت سخنرانی های افراد و گروه ها می باشد و ذیل هر گروه نام سخنرانان به شکل کلی آمده است اما آنجا که از میزگرد آموزش نسخه شناسی و فهرست نویسی سخن رفته است، خواننده هیچ اطلاعی از شرکت کنندگان و گرداندگان و موضوع آن در نمی یابد!

معمولاً گزارش نتایج این گونه نظرسنجی ها، همواره با نوعی تحلیل و نقد و ارائه نتیجه کلی همراه است تا خوانندگان بتوانند به شناخت جامع و کامل تری دست یابند. اما این نظرسنجی که در ۲ صفحه پایان می پذیرد، فاقد هرگونه اطلاعاتی درباره جامعه آماری، تعداد افراد پاسخگو، تعداد پرسشنامه های توزیع شده و... است.

آیا سخنرانان و شرکت کنندگان در سمینار نیز خود مخاطب و پاسخگوی این پرسشنامه بوده اند یا تنها شنوندگان و استفاده کنندگان از سمینار، مورد پرسش واقع شده اند؟ آیا پاسخگویان در همان زمان و مکان اجرای سمینار پرسشنامه را پر کرده اند یا پس از اجرای سمینار، پرسشنامه برای آنان ارسال شده است؟ هدف از اجرای پرسشنامه چه بوده است؟ آیا نتایج حاصله، برای کیفیت بهتر سمینار آتی، انعکاس مناسبی یافته است یا خیر؟ و چگونه است که زحمات تهیه و اجرای چنین

نظرخواهی بی هیچ تحلیلی، به شکل خاصی عرضه شده است. کاش روابط عمومی کتابخانه در این راه نقش فعال تری به عهده می گرفت.

بخش پایانی کتاب که پس از نظرسنجی آمده است شامل نمونه هایی از خطوط علمای معروف (شیخ بهایی) و تصاویری از نسخ خطی و جلد های هنری و تزیینی است که زینت بخش رو و پشت جلد نیز گردیده است. این قسمت عنوان «جلوه ای از جمال مخطوطات» نام دارد که ظاهراً به قصد حسن ختام کتاب و آشنایی خوانندگان با نمونه های زیبا و هنری آثار خطی تهیه شده است، اما متأسفانه هیچ یک از این آثار دارای نام یا شماره نسخه، یا شناسنامه ای جهت ارجاع یا استفاده مراجعه کنندگان نیست. مشخص نیست که نسخه مربوط به کدام خوشنویس یا کاتب است؟ یا برگرفته از کدام متن یا موضوع است تا خوانندگان با لذت و شناخت بیشتری به اصل آثار رجوع نموده یا از وجود آنها در کتابخانه و فهرس آن آگاه شوند، اما گویی که تنها برای تزیین یا پر کردن صفحاتی چند، بی هیچ بار اطلاعاتی در پی هم قرار گرفته اند که هرچند چشم نواز و تحسین برانگیز است اما در ذهن بسیار سپرده نمی شود.

علیرغم انتقادات و پیشنهادهایی که بیان شد، امید است شاهد تلاش های ارزنده ماندگارتری در حوزه معرفی و شناخت نسخ خطی باشیم و یادمانهایی از این دست، با فاصله زمانی کمتری پس از برگزاری سمینارها تهیه و چاپ شود تا گذشت زمان (دوسال) موجب نگردد تا بر خاطره نیکوی تلاش های دلسوزان و عاشقان نسخه های خطی گرد و غبار فراموشی و نسیان بنشینند، بلکه همواره معرف تحقیقات علمی جدید و با ارزش و مشوق محققان و پژوهشگران علاقه مند باشیم.